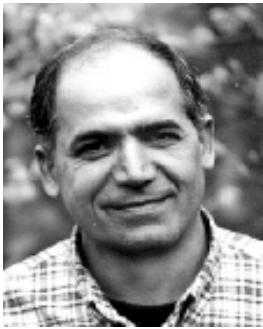


خرم آباد: مردم براه افتاده اند!

وقت اعتصابات گسترده و اعتراضات پیوسته شهری
برای فلج کردن حکومت اسلامی فرا رسیده است



متحد و بهم پیوسته در مقابل جمهوری اسلامی به حرکت آید و حکومت اسلامی را در منگنه قرار دهد و سرانجام به سقوط بکشاند.

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوهای شیرین و آرمانهای انسانی شما است. به حزب کمونیست کارگری بپیوندید. این تنها راه نجات از منجلاب اسلامی، و فقر و فلاکتی است که گریبان اکثریت عظیم مردم را گرفته است. این تنها راه رسیدن به خوشبختی، به رفاه و آزادی و ایجاد جامعه

مساعدتر شده است وقت آن است که با اعتصابات گسترده کمر رژیم اسلامی را بشکنیم وقت آن است که با اعتراضات پشت سر هم نیروهای سرکوب رژیم را فلج کنیم وقت آن است که زنان، جوانان و مردم به تنگ آمده از حکومت اسلامی خیابانها را قرق کنند و دست نیروهای سرکوب را از محلات و مراکز کارشان کوتاه کنند وقت آن است که صف قدرتمند اعتراضات و اعتصابات

اعتراضات مردم در خرم آباد بیش از یک هفته است ادامه دارد. علیرغم یک هفته سرکوب و دستگیری گسترده و شانتاژ ارگانهای مختلف حکومت اسلامی، اعتراضات فروکش نکرده و به اشکال جدیدی از مبارزه دست زده میشود. تعمیق اعتراضات مردم اختلافات جناحهای حکومتی را حادتر کرده و دارد به بحرانی سیاسی در میان آنها تبدیل میشود. هر کدام دیگری را عامل ایجاد این اعتراضات و تحریک مردم میدانند. به همدیگر حمله میکنند و خواهان دستگیری همدیگر میشوند. جلسات فوق العاده میگیرند، هیئت های ویژه اعزام میکنند و نیروهای تازه برای سرکوب مردم از شهرهای مختلف به خرم آباد سرازیر میکنند.

اعتراض مردم اما ربطی به هیچکدامشان ندارد. هر دو جناح علیه آن اند، هر دو جناح به دستگیری و کوبیدن آن مشغولند. این اعتراض مستقل مردم است. این اعتراض مستقل مردم علیه هر دوی آنها، علیه کلیت حکومت اسلامی است. این اولین اعتراض گسترده بعد از کرنش آشکار خاتمی و دو خرداد به جناح مقابل است. اعتراض مردم خرم آباد طلایه دار اعتراضات گسترده تر است، حتی کیهان جناح راست هم اینرا میبیند و هشدار میدهد. باید به استقبال آن رفت.

علی جوادی (رادیو انترناسیونال): آیا در عنوان مقاله "زندگی پس از دوم خرداد" (انترناسیونال هفتگی ۱۱۷) اشاره تان فقط به اوضاع رژیم است و یا کلیت جامع تری را مد نظر دارید؟

منصور حکمت: بیشتر اشاره ام به این بود که اکنون وظایف جدیدی جلوی ما هست، دوره جدیدی، بخصوص از نظر مردم، شروع میشود که باید به آن توجه کرد. مرکز توجه مردم از دوم خرداد متوجه آن احزاب و جریاناتی میشود که بیرون حکومت و علیه حکومت فعالیت میکنند. و این برای ما در حزب کمونیست کارگری وظایف جدیدی را تعریف میکنند.

دوم خرداد سیکل خود را طی کرده. اکنون اگر رهبری تازه ای در کشور تعریف نشود، اگر احزاب اپوزیسیون مثل ما نتوانند نقش خود را بازی کنند فرصت تاریخی بزرگی هدر میرود.

ع:ج: در این مقاله گفتید که آینده دوم خرداد به نوع عکس العملش در مقابل حمله خامنه ای گره خورده بود و الان هیات ژوری از قضاوت خود را کرده است: دوم خرداد سر خم کرده و نتیجتاً به یک بحران عمیق و مهلک فرو رفته، آیا این ارزیابی زودرس نیست؟ آیا فکر نمیکنید که جبهه دوم خرداد قادر باشد که یک سازماندهی مجدد بکند و خود

ای انسانی است. این فرصت را نباید از دست داد.
اصغر کریمی
رئیس هیئت دبیران حزب
کمونیست کارگری ایران

به حضور خاتمی در نیویورک و سازمان ملل اعتراض کنید

صفحه ۳

خلاصه مصاحبه رادیو انترناسیونال با منصور حکمت

آینده دوم خرداد

را در صحنه سیاسی پیدا بکنند؟
م: بنظر من چند عامل مانع از آنست که دوم خرداد بتواند دوباره مثل سابق ابراز وجود بکند. اولاً، هر روزی که میگذرد عکس العملی که بخواهد دوم خرداد را احیاء کند باید تندتر و غلیظ تر باشد. اگر همان روز اول در مجلس گفته بودند که این حرف خامنه ای را قبول نداریم و طرح را به رای میگذاریم، ممکن بود بتوانند زمین خود را نگه دارند و همچنان از پدیده "جنبش اصلاحات" و یا جنبش دوم خرداد حرف بزنند. ولی امروز باید با جسارت و تندلی خیلی بیشتری حرف بزنند که این کرنش و تعظیم چند هفته ای را جبران کنند. در

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

آینده دوم خرداد

بلکه کل مجلس را زیر سوال برد. یعنی از این پس هر تصمیمی در مجلس بگیرند، هیچ چیز جلوی "آقا" را نگرفته که بیاید بگوید اینهم قبول نیست. در نتیجه کل آن اداره ای که اینها قرار بود هر روز صبح بروند در آن حضور بهم برسانند، از سکه افتاده، خود پدیده مجلس را راست از سکه انداخته است. این هر موجهی نیست که اینها بتوانند از سر بگذرانند. اگر یکی مدام نفسش را بگیرد تا موج را از سر بگذرانند، یکبار هم طول میکشد و آن زیر خفه میشود. این اتفاق دارد برای دوم خرداد میافتد.

ع.ج: شما به بازخوانی هایی که از استراتژی های دوم خرداد دارد صورت میگیرد و تلاشهایی که استراتژیست های دوم خرداد در این زمینه دارند انجام میدهند، چگونه برخورد میکنید؟ آیا فکر نمیکنید که اینها بتوانند، از آنجا که با اعتراضات مردم مواجه هستند، دوباره خودشان را روی موج قرار بدهند و بروند جلو؟

م.ج: من صحبت از اینکه قرار است بازخوانی بکنند زیاد شنیدهام. ولی هیچ بازخوانی ای در نوشته های سران و یا شخصیت های دوم خرداد ندیدهام. واقعیت اینست که حتما

بخشی از دوم خرداد شروع میکنند که مقداری تکیه اش را بدهد به نارضایتی مردم و جلوی خامنه ای و راست سنگربندی اش را نگه دارد. ولی اگر این پدیده نتواند کلیت حرکت دوم خرداد، حزب مشارکت و یا خود خاتمی را با خودش بیاورد، تبدیل میشود به یک نهضت آزادی دیگر. اگر دوم خردادی ها بخواهند بعنوان یک جریان "غیرخودی"، بعنوان یک جریان که در حکومت حضور ندارد، روی اعتراض مردم سوار شوند، فرق زیادی با نهضت آزادی ندارند. دوم خرداد، هویت و نقطه قوتش برای خودش این بود که میتوانست بگوید من حکومت را از درون تغییر خواهم داد. ولی اگر شما دیگر درون حکومت نباشی، بقیه چرا باید برایت تره خرد کنند؟ به یک سازمان اسلامی بیرون حکومت تبدیل میشوند. و اگر

بناست کسی از بیرون حکومت، حکومت را عوض کند، احزاب و جریانات جدی تری وجود دارند. تمام برگ برنده دوم خرداد در این سه سال این بود که: ما میتوانیم بدون مشقت، بدون دردسر، بدون خشونت از داخل رژیم جمهوری اسلامی را تعدیل کنیم. طبعاً بعنوان یک جریان خارج حکومت، در حال کتک خوردن، که نمیتواند برود در خرم آباد جلسه اش را بگیرد، آن موقعیت سابق را نخواهد داشت. جنبش دوم خرداد اگر قرار است حکومتی نباشد، دیگر برای کسی ارزشی ندارد، نه برای غربی ها و نه برای مردمی که تاکتیکی به آن بعنوان ابزار سست کردن حکومت نگاه میکنند.

ع.ج: شما کلاً توجه غرب به دوم خرداد را چگونه ارزیابی میکنید؟ آیا این ارزیابی تاکتیکی است و یا در سیمای دوم خرداد نیرویی را می بیند که رژیم را تضعیف کند و آخر سر آنرا برکنار کنند؟

م.ج: بنظر من غربی ها همیشه این دو وجه را کنار هم دارند. یک ایده آل هایی دارند برای کشورها و مناطقی، و یک پراگماتیسم و عملگرایی و مصلحت گرایی روزمره ای دارند مبنی بر اینکه که چه چیز آنروز بنفع شان است.

بطور مثال در قبال شوروی، واضح بود که اینها میخواستند کلاً پنبه کل سیستم شوروی زده شود، یک نظام متکی به بازار بیاید، چیزی که الان هست، و حتی از اینهم بیشتر نزدیک به غرب. ولی وقتی گورباچف میاید که غرب می بیند میتواند این بلوک را تا حدی تضعیف کند، عقب براند، در مقابل غرب سد دفاعیش را بشکند، از گورباچف با تمام قوا حمایت کردند. بوش و تاجر تا روز آخر از گورباچف حمایت کردند، در حالیکه هیات حاکمه آمریکا و غرب دلش همان زمان پیش یلتسین بود و حتی وقتی یلتسین سر کار آمد، در جنبش طرفدار بازار شخصیت های دیگری داشتند. در نتیجه برخورد غرب همیشه یک جنبه پراگماتیستی و مصلحت گراییانه و روز دارد که اگر خاتمی نامی، یک آخوندی، پیدا میشود که میتواند مناسبات را با غرب بهبود بدهد، میتواند جایابی ای برای غرب باز کند، حکومت اسلامی را مقداری تعدیل کند و مهار کند، خب، از او

دفاع میکنند. ولی بمجرد اینکه این خاتمی نوعی کارش را انجام بدهد، غرب میخواهد یک پله دیگر به هدف استراتژیکش نزدیک بشود، یک حکومت ناسیونالیستی، محافظه کار طرفدار غرب، علناً طرفدار غرب، مثل ترکیه، مثل فیلیپین، را بیاورد سرکار. در نتیجه از او فراتر میروند. خاتمی برای غرب یک پدیده ای است که برای لحظه فعلی خوب است ولی باید از او فراتر رفت. در نتیجه اگر خاتمی نتواند آن وعده ای را که داده عمل کند، اگر نتواند سیستم را تعدیل کند، غرب رهایش میکند. هیچ ائتلاف استراتژیکی بین غرب و دوم خرداد نیست. غرب به دوم خرداد مثل یک پله نگاه میکند، اگر این پله وجود نداشته باشد او هم به آن کاری ندارد.

ع.ج: شما اشاره کردید که دوم خرداد به پایان خط رسید. پایان خط چیست؟ چه چیزی در انتظار دوم خرداد است؟ تکلیف نیروهای تشکیل دهنده اش چیست؟

م.ج: بنظرم دوم خرداد تجزیه میشود. یک بخش "درباری" و از بالا پیدا میکند که همین خاتمی و کروی و امثالهم هستند که در رابطه با جناب رهبر نشسته اند و دارند فکر میکنند که چه سوپاپ اطمینانی باز کنند برای بخشی از خود هیات حاکمه که بتواند بعضاً روزنامه هایی داشته باشد، بعضاً بتواند حرفش را بزند و بعضاً بحث تعدیل و اصلاحات را زنده نگه دارد، و یک راست ده نمکی مآب حاکم نشود، که همه شان میدانند این بنفعشان نیست. در نتیجه باید یک تصویر مرکزتر و ساتر تری بدهند. یک بخش باصطلاح "درباری" بالا در دوم خرداد پیدا میشود، فکر میکنم که خاتمی اساساً شخصیت این بخش خواهد شد. و

یک بخش نارضی از پایین و بیشتر "توی کوچه و خیابان" دوم خرداد که آنها مشکلات روزنامه درآوردن و سخنرانی کردن خود را خواهند داشت و حتی یاید وارد کشمکش با همین بخش "درباری" خودشان بشوند.

بنظرم دوم خرداد موقتا به چند بخش تقسیم میشود تا بعد ببینیم کلاً حاصل این کشمکش درون دوم خرداد بکجا میرسد. من فکر میکنم جمهوری اسلامی دارد میروند که یک سری شعارها و اهداف دوم خرداد را هضم کند، یک مرکز

جدید درست کند، که هم "رهبر" بتواند بیشتر به آن نزدیک شود و هم دوم خردادی های رام تر و خانگی تری درست شوند. جواب دانشجویان ناراضیشان و یا جناح های افراطی تر دوم خرداد را همین بخش قرار است بدهد. ولی خوب واضح است که همین سازش هم کمک میکند که آن جناح افراطی تر یک درجه مشروع تر بتواند حرف بزند.

هدف اینها بنظر من هضم کردن دوم خرداد و وقت خریدن برای جمهوری اسلامی است. اگر دوم خرداد در این فاز بیافتد. از نظر غرب و از نظر مردم و از نظر کل مقوله تلاش برای جایگزینی جمهوری اسلامی همیشهش را از دست میدهد. میماند، ولی یک پدیده فرعی میشود. من فکر میکنم که با این ماجرای مجلس و با وادادن دوم خرداد و با مصاحبه خاتمی، فاز عوض میشود. مردم الان دیگر به نیروهای بیرون حکومت، چشم میدوزند. دوم خرداد بعنوان تجربه ناموفق الان جلوی مردم است، در بیرون حکومت، دو قطب اصلی هست که جدال کم کم میروند بین این دو قطب. یک طرف کمونیست ها، کمونیسم کارگری، و طرف دیگر محافظه کارهای طرفدار غرب، رژیم سابقی ها، ممکن است لزوماً سلطنت طلب هم نباشند، محافظه کارهای ضد کمونیست طرفدار غرب و ضد جمهوری اسلامی. این دو بخش، کمونیست ها و آنتی کمونیست هایی که هر دو خارج چهارچوب جمهوری اسلامیند، نیروهای اصلی جدال آتی خواهند شد. البته تا وقتی جمهوری اسلامی هست دوم خرداد هم هست و تلاش برای تغییرش از درون حکومت هم هست. ولی اکنون یک تناسب جدیدی میان احزاب مخالف حکومت برقرار میشود و مردم در رابطه با تعلق سیاسی خودشان به این خطوط انتخاب های بزرگتری میکنند.

ع.ج: یکی از مسائلی که پدیده دوم خرداد را دوم خرداد کرد، تمایل و گرایش نیروهای ملی و اسلامی به صف دوم خرداد بود. نویسنده ها و هنرمندان و کلاً یک مجموعه ای به این صف پیوستند، الان تکلیف این نیروها چی میشود؟

م.ج: بنظر من خیلی غمگین میشوند، بکخورده مصرف چای و قهوه و قلیانشان زیاد میشود، یک مدتی بی پناه میشنوند تا خودشان

آینده دوم خرداد

سفر چه در داخل و چه در خارج کشور چیست؟

م: اگر این ماجرای مجلس نبود، و اگر درست بعد از انتخابات مجلس و بدست گرفتن مجلس توسط خاتمی چی ها، خاتمی قرار بود بیاید، بنظم با یک هلله عظیم در غرب مواجه میشدیم که بله، این سمبلی است از تغییر در ایران. ولی الان علامت سوال های زیادی بالای سر خاتمی در غرب هست. من فکر میکنم که در غرب با یک درجه بدبینی با او مواجه خواهند شد. البته باید در نظر بگیرید که این چیزها یک شبه تغییر نمیکند، بخصوص که پروتکل های سیاسی و دیپلماتیک وجود دارد. قطعا با استقبال روبرو میشود، قطعا روزنامه ها درباره اش مینویسند، ولی این بار یک علامت سوال بزرگ بالای سرش هست و خوشبینی به او وجود ندارد. حتی ممکن است حرف از "دیالوگ تمدنها" و غیره در سطح جهانی وقتی که مردم می بینند که در خود ایران هیچ نفوذی برای پیاده کردن حرفهایش ندارد، و غرب امیدش را به او از دست است، حتی مایه مضحکه بشود. من فکر میکنم حتما آن دو سه روزی که حرف میزند مورد توجه است ولی کل این اتفاق دیگر آن اهمیت و جایگاهی که ۴ ماه پیش میتوانست داشته باشد را ندارد.

را پیدا کنند. بخشی شان بنظر من مجبورند بچرخند به چپ. بخشی شان میچرخند به راست. و با همان جایی که هستند، برمیگردند و سمبل های جدیدی پیدا میکنند. یک عده شان احتمالا با جناح "خلقی" دوم خرداد میروند و یک عده شان ممکن است هنوز دل به خاتمی داشته باشند.

یک روزنامه نگار غیر اسلامی داخل کشور میگوید آقای خاتمی باید هم محافظه کار باشد. ما به ۱۲-۱۳ سال دیگر وقت احتیاج داریم برای اینکه بتوانیم جنبش اصلاحات و توسعه را عملی کنیم. خوب کسی که ۱۲ ماه وقت ندارد، بیخودی تقاضای ۱۲ سال میکند. ولی بنظر من اینها یک جنبش واقعی هستند، یعنی بخشی از جامعه ایران هستند، کوچکنند ولی الان بیشتر تریبون ها دستشان است. دلشان نمیخواهد چپ ها بیایند سرکار. دلشان نمیخواهد جامعه از کنترل حاکمیت خارج بشود. اینها ممکن است همچنان مدافع اصلاحات درباری در خود حکومت باشند.

م: بعنوان سوال آخر. خاتمی عازم نیویورک است، به کنفرانس سازمان ملل میاید، تحت عنوان "گفتگوی تمدنها"، اهمیت این

به حضور خاتمی در نیویورک و سازمان ملل اعتراض کنید

سفر خاتمی به نیویورک در زمانی صورت میگیرد که اعتراض و نفرت مردم از جمهوری اسلامی هر آن ممکن است منفجر شود. "فروپاشی" و "سرنگونی" ورد زبان مقامات رژیم از هردو جناح است. ولایت فقیه شخصا برای تجات نظام" به میدان آمده است. دوم خرداد به ته رسیده و ماهیت ارتجاعی اش را عیان تر از همیشه به نمایش گذارده است. حتی غرب علنا از "اصلاح" جمهوری اسلامی ابراز یاس میکند و نسبت به خیزش مردم هشدار میدهد. اگر "گفتگوی تمدنها"، در کنار "جامعه مدنی" و غیره، زمانی به کار مسخ و کنترل اعتراض مردم و بسته بندی جدیدی برای یکی از خونخوارترین رژیم های معاصر می آمد، امروز بعد از سه سال

که خاتمی به سازمان ملل میروند تا در باره آن سخنرانی کند دیگر هر گونه معنی عملی و جدی سیاسی اش را از دست داده است. تشریفات است. جوک درست در همین شرایط ضروری است که صدای اعتراض مردم ایران، صدای آن هزاران نفری که طی این سه سال نیز دستگیر شدند، شکنجه شدند و به حبس های طویل المدت محکوم شدند و یا کشته شدند، صدای اعتراض میلیونها زنی که در تمام طول دوره "گفتگوی تمدنها" همانند گذشته یک آپارتاید جنسی تمام عیار را تجربه کردند، صدای اعتراض کارگرانی که صدها هزار آنها ماهها دستمزد نگرفتند و تلاشهایشان برای ایجاد تشکل

توسط وزارت اطلاعات خاتمی سرکوب شد، صدای نفرت از حکومت مذهبی، صدای آزادی و برابری، پرطنین تر از هر زمان شنیده شود. باید به مردم جهان گفت که توقعات مردم ایران بسیار بسیار فراتر از آنچه بود و هست که رسانه ها سه سال است میکوشند به خورد افکار عمومی جهان بدهند. باید گفت که مردم ایران هیچ نوع جمهوری اسلامی نمی خواهند و با رها کردن خود از شر رژیم حاضر، جهان را نیز از یک منبع مهم ارتجاع رها خواهند کرد. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه را به شرکت در این تظاهرات علیه حضور خاتمی در نیویورک و سازمان ملل فرامیخواند. با شرکت خود در این میتینگها به هرچه کوتاه تر شدن عمر این جمهوری نکبت یاری برسانید. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

لس آنجلس: سه شنبه ۵ سپتامبر، ساعت ۵ بعد از ظهر

در مقابل ساختمان CNN

نیویورک: چهارشنبه ۶ سپتامبر، ساعت ۱۰ صبح مقابل سازمان ملل

لس آنجلس: چهارشنبه ۶ سپتامبر، ساعت ۷ بعد از ظهر

مقابل ساختمان فدرال- وست وود

کلن: چهارشنبه ۶ سپتامبر، ساعت ۲ بعدازظهر مرکز شهر Dom

استکهلم: چهارشنبه ۶ سپتامبر، ساعت ۵ بعدازظهر میدان مرکزی شهر

در کنگره سوم حزب شرکت کنید

شرکت در کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب حضور یابند. کنگره در نیمه اکتبر امسال (دوماه دیگر) برگزار میشود.

این فرصت بسیار مناسبی برای آشنایی از نزدیک با حزب و ارگانها و کادرهای آن در جریان اجلاس عالیترین ارگان حزبی است.

برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و اطلاعات لازم در اسرع وقت با شماره تلفن، فاکس و ای میل زیر تماس بگیرید.

Tel: 0044 (0) 777 9898 968

Fax: 0044 (0) 870 120 7768

e-mail: congress@ukonline.co.uk

* ورودیه هر نفر برای دو روز جلسه شامل هزینه ناهار معادل ۶۰ دلار، ۳۵ پوند و یا ۱۱۰ مارک آلمان است.

از تهران و خرم آباد تا نیویورک

را از یک منبع مهم ارتجاع خلاص میکنند. * حضور قوی ما در نیویورک، در "نه" گفتن مجدد به جمهوری اسلامی، جایگاه مهمی در امتداد مبارزات مردم در ایران دارد.

تظاهرات در نیویورک: ۶ سپتامبر مقابل سازمان ملل

تلفن اطلاعات:
(416) 7379500

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
- کانادا

۶ تا ۸ سپتامبر خاتمی و عده ای دیگر از سران رژیم جنایتکار اسلامی مهمان سازمان ملل هستند و قرار در همایش سازمان ملل فرمایشات بفرمایند. مردم آزادیخواه!

* ما صدای نفرت از حکومت مذهبی، صدای آزادی و برابری هستیم. باید به مردم جهان گفت که توقعات مردم ایران بسیار بسیار فراتر از آنچه بوده و هست که رسانه ها سه سال است میکوشند به خورد افکار عمومی جهان بدهند. باید گفت که مردم ایران هیچ نوع جمهوری اسلامی نمی خواهند و با رها کردن خود از شر رژیم حاضر، همچنین دنیا

* با حضور در نیویورک صدای اعتراض مردم در ایران، صدای هزاران نفری باشیم که طی ۲۱ سال "خلافت" خمینی و خامنه ای و خاتمی دستگیر، شکنجه و کشته شدند. * ما صدای اعتراض میلیونها زنی هستیم که در تمام طول دوره "گفتگوی تمدنها" همانند گذشته یک آپارتاید جنسی تمام

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

"یک سوال از عقلای قوم!"

خرم آباد

"اشباح" صحنه سیاست ایران را عوض میکنند!



خرم آباد جواب محکم مردم به حکم ولایتی فقیه و سیاست خفکان و ارباب راست بود.

این وقایع همچنین میخ دیگری بر تابوت کل "جنیش دوم خرداد" بود. نه فقط به این دلیل که "آرامش فعال" دوم خرداد عملاً در خیابانها دود شد و به هوا رفت. اینرا از پیش هم میشد حدس زد. بلکه به این خاطر که عیان تر از گذشته معلوم شد که دوم خردادی ها (چه در قدرت و چه در خارج قدرت) چه هراس و چه نفرتی از حرکات مستقل و رادیکال مردم دارند. از روزی که مردم خرم آباد مراکز رژیم یعنی مسجد و بانک، ادارت دولتی و کلاتریها را مورد حمله خود قرار داده اند، تمام "جبهه وسیع" دوم خرداد و مدافعان آن، از تاج زاده و تحکیم وحدتی ها گرفته، تا اکثریتی توده ای و رادیو اسرائیل، در تلاش اند تا حرکات مردم را در سایه اشیای عجیب غریب، تحت عنوان "اشوب طلبان"، عناصر "مشکوک"، "فرصت طلبان" و حتی "حزب الهی هایی" (که در عین حال به کلاتری و بانک و مسجد حمله میکنند و علیه رژیم هم شعار میدهند!) مخدوش و تخطئه کنند. حتی اذغان به حضور و دخالت مردم در صحنه سیاست زبان دوم خردادی ها را می سوزاند. نه فقط مال آنهایی را که در راس وزارت اطلاعات و وزارت کشور نشسته اند، بلکه زبان همه آن "دکتر، مهندس" ها و ژورنالیست هایی را که در دفاتر کارشان در

اروپا نشسته اند. وقایع خرم آباد یک نقطه عطف بود. نشان داد که "آرامش فعال" دوم خرداد از یکسو، و ارباب و لگد پرانی فقیه و جناح راست از سوی دیگر، روشی برای بقاء حکومت اسلامی نیست. که راست نمی تواند مردم را بترساند و دوم خرداد هم نمی تواند پشت وحشیگری راست پنهان شود و برای بقاء خود موضوعیت بتراشد. نشان داد که شورشهای ۱۸ تیر تهران، خلخال، آبادان و غیره، صرفاً طغیان ها و واکنش های زودگذر نیستند. یک روند تکرار شونده و جدی است. نشان داد که مردم ایران خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و در تدارک عملی آن هستند. که صحنه سیاست ایران بسرعت دارد عوض میشود. که نیرویی مثل حزب کمونیست کارگری ایران که مردم را به رهایی از کل جمهوری اسلامی، کل سنت های و روش های عقب مانده در زندگی و سیاست و بنای یک جامعه آزاد و برابر فرامیخواند به مرکز سیاست ایران وارد میشود.

مصطفی صابر
mosaber@yahoo.com

وقایع خرم آباد، قبل از هر چیز ضربه گیج کننده ای بر جناح راست وارد آورد. سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی رژیم (که گاه و بیگاه مجبورند "لباس های شخصی" شان را به تن کنند) حمله به اردوی تحکیم وحدت را بهانه ای برای ایجاد رعب و گرفتن زهر چشم از مردم قرار داده بود. تحکیم وحدتی ها منتظماً "آرامش فعال" به خرج دادند، اما مردم به میدان آمدند. بخش های از شهر را عملاً به کنترل درآوردند، به بانکها و مساجد و کلاتریها حمله کردند و گوشمالی سختی به سپاه دادند. کرکریهای از سر وحشت فرمانده اینها که گفته بود اگر "اشوب طلبان" میخواهند استعداد شان را یکبار دیگر آزمایش کنند، ما آماده ایم" و یا عجز و لایه های کیهان که "بچه های حزب الله را خونین و مالین" کردند، بخوبی درجه مهلک بودن ضربه مردم خرم آباد به سپاه و جناح راست را منعکس میکند. وقایع خرم آباد نشان که دوره "لباس شخصی ها" دارد به پایان میرسد. که مردم آماده مقابله مسلحانه با نیروهای جمهوری اسلامی اند. که از "کلت و بی سیم و زنجیر و پنجه بکس" اینها نمی ترسند. که پشم و پیله "نیروهای انتظامی" و چماق نیروهای ولایت فقیه دیگر کارساز نیست. در یک کلام وقایع



نقشی ندارد. قدم دوم، رژیم جایگزین با دین در تضاد باشد و دین را از جامعه منزوی کند و به کنج خانه ها تبعید نماید. و خطر سوم دین حتی در خانه های مردم هم جایی نداشته باشد. دشمنان به چیزی کمتر از دفن تفکر انقلابی مبتنی بر دین در این کشور رضایت نخواهند داد. نویسنده سپس ادامه میدهد "این واقعیت تلخ باید برای عقلای قوم، بسیار تکان دهنده و عبرت آموز باشد. با تکیه بر همین واقعیت تلخ است که از عقلای قوم میپرسیم که آیا وقت آن نرسیده است که تدبیری بیندیشند و ختم منازعات را اعلام کنند تا دشمنان مشترک، فرصت نیابند ختم انقلاب را اعلام کنند." درست فهمیده اید. ما کارگران، ما زنان، ما جوانان، ما صف کمونیسم کارگری، ما دشمنان جمهوری ننگین اسلامی، به چیزی کمتر از برپیده شدن کامل بساط منحوس جریان مرتجع اسلامی از جامعه رضایت نخواهیم داد.

محسن ابراهیمی

ebrahimi1@yahoo.com

خطر بیخ گوششان است. در بن بست کامل گیر کرده اند. راه برگشت ندارند. راه پیشرفت هم ندارند. خود را باخته اند. علیه هم میتازند. به هم متوسل میشوند. از وحشت سرنگون شدن آرام و قرار ندارند. میدانند که رفتنی هستند. هر دو جناح رژیم اسلامی را میگویم. هم دوم خردادیها را و هم راستها را.

حق هم دارند. اعتصاب پشت سر اعتصاب توسط کارگران، خشم و نفرت و مبارزه جوانان، زنان و دانشجویان، ۱۸ تیر و اسلام شهر و شاتره و تهران و خلخال و آبادان و اندیمشک و شهرهای کردستان و خرم آباد را مینینند. لرزه بر وجودشان مینشیند و با زبان بی زبانی به هم هشدار میدهند که دارد دیر میشود.

سرمقاله این هفته روزنامه جمهوری اسلامی، اعتراضی بسیار صریح به همین حقیقت است. این سرمقاله به "عقلای قوم" هشدار میدهد که اگر اختلافات را کنار نگذارید، اگر مردم همچنان سیاست را کنار بگذارند (یعنی در مقابل رژیم اسلامی بایستند)، اساس نظام به خطر خواهد افتاد و حکومتی بر سرکار خواهد آمد با این مشخصات: "قدم اول، دین در آن

روزنه دات کام

<http://www.rowzane.com>

Website:

www.haftegi.com

انترناسیونال هفتگی

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

اصغر کریمی رئیس هیات دبیران 0044-771 4097928

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 0049-172 7823746

سازمان جوانان کمونیست:

بهرروز مدرسی دبیر سازمان 0049172 295 7603

کمیته کردستان:

رحمان حسین زاده دبیر کمیته 0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی 0049-177 569 2413

رادیو انترناسیونال را

روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

به انترناسیونال
هفتگی

کمک مالی کنید!

انترناسیونال هفتگی

را در ایران و خارج

تکثیر و پخش کنید